

«عروس عرفان»، حجله‌نشینی از چشم نهان

دکتر محمدابراهیم ایرج‌پور*
سهیلا لطف‌اللهی**

چکیده

دستورالعمل‌ها و تبیین مسائل عرفانی در ابتدا توسط مشایخ به طور شفاهی و عملی به مریدان منتقل می‌شد، ولی بعدها کتاب‌های عرفانی برای تذکار و یادآوری و سهولت دستیابی سالکان به تعالیم عرفانی و اخلاقی به نگارش درآمد. یکی از این آثار، کتاب مهم و ناشناخته عروس عرفان نگاشته محمود بحری قادری است که مقارن با پادشاهی اورنگ‌زیب تألیف شده است. محمود بحری خود از نامداران سلسله قادریه هند و بیست سال در خدمت و تحت پرورش «محمد باقر قادری» بوده است. او همچنین با بسیاری از بزرگان و سرآمدان عرفان و تصوف در روزگار خود مراوده و دیدار داشته و نام بسیاری از این عارفان گمنام و شرح ملاقات خود با آنان را در این کتاب محفوظ داشته است. این مقاله به معرفی این اثر مهم و نویسنده کمترشناخته‌شده آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: عرفان، قاضی محمود بحری، عروس عرفان.

*. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

** . کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور.

مقدمه^۱

عرفان و تصوف اسلامی با رویکرد معنوی، اخلاقی و انسانی از زمان شکل‌گیری خود توانست با پرورش و تعالی بخشی آدمیان نقش مؤثر و مفیدی در جوامع اسلامی داشته باشد. نکته قابل توجه آن است که همگام با پیشروی اسلام به سرزمین‌های مختلف، عرفان و تصوف اسلامی نیز که بخش عمیق‌تری از دین به شمار می‌رفت، در میان مردمان این سرزمین‌ها نفوذ کرد.

هندوستان یکی از این سرزمین‌ها است که اسلام و به تبع آن عرفان و تصوف با جذابیت و معنویت خود توانست مردمان آن دیار را به سمت خود بکشاند. همین تأثیرگذاری‌ها و وجود افکار و آراء صوفیان سبب شد، بزرگانی دست به تألیف آثار ارزشمند در حوزه عرفان و تصوف بزنند. آثاری که تعالیم و آموزه‌های دینی و عرفانی را برای سالکان و طالبان حق در خود محفوظ داشته است.

تألیفات بسیاری در موضوع عرفان و عارفان هند به جا مانده است، اما به چند دلیل عمده، غالباً ناشناخته مانده‌اند؛ از جمله: افول زبان فارسی در شبه‌قاره و عدم رواج و روایی پیشین آن، گسست جغرافیایی و عدم دسترسی بسیاری از محققان فارسی‌زبان به این متون، توجه بیشتر به عرفان و عارفان قرون متقدم و از همه مهمتر عدم تصحیح بسیاری از این متون که طبیعتاً دسترسی و استفاده عمومی پژوهندگان و علاقه‌مندان این آثار را ناممکن ساخته است.

عروس عرفان تألیف قاضی محمود بحری یکی از کتب مفید و جالب توجه در زمینه عرفان و تصوف اسلامی در هندوستان است که در مقاله حاضر برای نخستین بار به معرفی تفصیلی آن، همچنین بازشناسی مؤلف این اثر خواهیم پرداخت.

قاضی محمود بحری، عارف و شاعر مشهور دکنی در سال ۱۰۴۲ق/۱۶۳۳م در شهر گوگی (از توابع بیجاپور دکن) زاده شد و ۲۰ سال نخست زندگی را در آنجا سپری کرد. نام پدرش شیخ بحرال‌دین بود و به همین سبب وی تخلص بحری را برای خود برگزید. او در تصوف مرید شیخ محمدباقر قادری از مشایخ بزرگ سلسله قادریه بود. وی مدتی در

۱. نگارنده طرح پژوهشی «بررسی و نقش عرفان اسلامی در ادبیات هند (با محوریت سلسله قادریه)» را در دانشگاه پیام نور استان اصفهان در دست تألیف دارد که مقاله حاضر مستخرج از آن است.

طریقه چشمتیه نیز سلوک کرد (نسیم، ص ۲۱۷؛ یونس شاه، ج ۱، ص ۱۹۸؛ احمدجان، ص ۶۳). آگاهی‌ها درباره زندگی او بسیار اندک است. وی در سال ۱۰۹۵ ق از زادگاه خود به بیجاپور سفر کرد و در اواخر سال‌های حکومت سکندر عادل شاه (حکومت: ۱۰۸۳-۱۰۹۷ ق / ۱۶۷۲-۱۶۸۶ م) در آن دیار اقامت داشت. هنگامی که اورنگ‌زیب در ۱۰۹۷ ق شهر بیجاپور را فتح کرد و به سلطنت عادل شاه پایان داد، قاضی محمود بحری نیز راهی حیدرآباد شد، اما راهزنان در این مسیر هر آنچه او با خود داشت غارت کردند، از آن جمله مجموعه آثارش بود که از دست رفت. به همین سبب بیشتر غزلیات و قصاید و رباعیات فارسی و دکنی برجا مانده از بحری مربوط به سال‌های پس از ۱۰۹۷ ق است (جمیل جالبی، ج ۱، ص ۵۲۰-۵۲۱؛ سکسینه، ص ۶۹، نیز نک: افشاریان، ص ۳۹۷).

از معاصران قاضی محمود بحری در دکن می‌توان ولی دکنی را نام برد. شاید این دو، تا حدودی از یکدیگر متأثر نیز بوده‌اند. زیرا شباهت بسیاری میان آثار بحری و ولی دکنی مشاهده می‌شود و به همین سبب برخی غزل‌های بحری را به ولی دکنی نسبت داده‌اند (نک: همو، ص ۳۹۸).

قاضی محمود بحری در اشعار دکنی خود از مضامین اشعار فارسی نیز الهام گرفته است، چنانکه ترجمه ترکیبات و تعبیرات شعر فارسی را در کلام او بسیار می‌بینیم. گرایش به سبک ریخته نیز از دیگر ویژگی‌های کلام اوست (جمیل جالبی، ج ۱، ص ۵۲۲؛ یونس شاه، ج ۱، ص ۱۹۹). وی به سال ۱۱۳۰ ق / ۱۷۱۸ م در زادگاه خود گوگی درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد (جمیل جالبی، ج ۱، ص ۵۲۰).

بحری از مریدان شیخ محمد باقر قادری (از بزرگان سلسله قادریه) بود و بیست سال به طور مداوم در خدمت او پرورش می‌یافته است تا آنجا که صفای باطن و مقام بلند یافت. او در بیتی مقام خود در گوگی و توانایی‌اش در حوزه عرفان را به بلندای مقام عطار نیشابوری می‌رساند و چنین بیان می‌کند:

به عالم نیست یک عارف چو عطار به گوگی گر بود بحری به گوگی است

(بحری، ص ۱۶۴)

محمد باقر قادری در اواخر عمر، زمانی که مشرف به موت شد، بحری را به عنوان خلیفه خود می‌خواند و دیگران را در مسائل سلوک و واقعات عرفانی به محمود بحری احاله می‌دهد:

«... هم در این میان [نزع محمدباقر قادری] شیخ مؤمن فرزند کلان آمدند از فرط درد و بسیاری دریغ عرضه کردند: یا حضرت شما در سر سفید، اگر رازی از حقیقت مکشوف شود و رمزی از معرفت مبروز از کسی باید پرسید؟ اشاره به بنده فرمودند» (همو، ص ۱۹۵).

از نکته‌هایی که در عروس عرفان مشهود است توجه و حضور محمدباقر قادری در مراسم بزرگداشت بزرگان عرفان و تصوف روزگار خود است که تحت عنوان مراسم (عرس) موسوم بوده است. در عروس عرفان در چند جا از حضور او سخن رفته است. برای نمونه: «حضرت هادی ام - نور مرقد - برای عرس اسد الاولیا شیخ محمد محمود صوفی - قدس سزه - که نسبت نبسگی با ایشان می‌داشتند به قصبه سگر سوار شدند...» (همو، ص ۲۹).

عنوان عروس عرفان خود معرّف منش صوفیانه محمود بحری است. این کتاب آکنده از مضامین عرفانی است و خود او در پی کشف حقایق عرصه تصوف و عرفان و اهل سلوک است. در اثرش چنین مشهود است که بعضی اوقات در این کشف به او الهام می‌شده است و از علم غیب بهره‌مند بوده است: «... وقتی به جستجوی اسم اعظم بودم و هوش بشری از من بر مید الهامی شد «العلیم» چون به هوش آمدم تجویز کردم اسم صفاتی اسم اعظم چگونه می‌شود که علم صفتی است از سبع صفات ذات» (همو، ص ۷۲).

بحری با اینکه با تواضع معمول میان عرفا خود را هیچمدان معرفی می‌کند، اما از خلال اثرش می‌توان دانست که فردی صاحب اندیشه و اهل تفکر بوده و در بیان مسائل عرفانی و ایمانی با ژرف‌نگری و تأمل اظهار نظر کرده است. او علاوه بر بهره‌گیری از محضر مربی خود، کتب پیشینیان و به‌ویژه رساله‌های شاه برهان‌الدین بن شاه میرانجی را مطالعه می‌کرده و در مجالس بزرگان تصوف و صاحبان اندیشه حضور می‌یافته و به دقت سخنان آنان را استماع می‌کرده است و در اثرش از شخصیت‌های بزرگ عرفان چون منصور حلاج، شبلی، عین‌القضات و دیگران بسیار سخن به میان آورده است.

آثار محمود بحری قادری

۱. مثنوی من لکن اثر مشهور صوفیانه بحری به زبان دکنی است که ظاهراً آن را به دستور حاکم حیدرآباد سروده و در سال ۱۱۱۲ ق به پایان رسانده است. در این مثنوی نسبتاً طویل از اصول تصوف و تزکیه نفس سخن می‌گوید. شمار ابیات آن ۳۷۹۰ است و

- نسخه‌ای از این اثر در کتابخانه دولتی نسخه‌های شرقی مدرس نگهداری می‌شود.
۲. بنگاب‌نامه اشعار عرفانی بحری به زبان دکنی است. شامل دوازده بند که هر بند آن عنوان «جام» دارد و در هر جام به وصف بنگ از نظر عرفانی پرداخته است. نسخه‌های این اثر در کتابخانه سالار جنگ و اداره ادبیات اردو در حیدرآباد موجود است.
۳. دیوان بحری، کلیاتی شامل ۱۱۱ غزل (با مضمون عرفانی و به ترتیب حروف تهجی)، ۲ قصیده و ۴ مرثیه؛ این کتاب به کوشش محمدحفیظ سید در لکهنو به چاپ رسیده است.
۴. دستورالعمل، رساله‌ای است عرفانی شامل اندرزها و راهنمایی‌های شیخی برای ارشاد سالکان در آغاز سلوک. نسخه‌هایی از این اثر در کتابخانه ایندیا آفیس و کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است.
۵. حکایت، مثنوی کوتاهی به زبان دکنی منسوب به بحری که دارای مضامین دینی و اخلاقی است. این مثنوی در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است.
۶. شرح غزل حکیم ناصر خسرو، شرح مختصری از برخی قصاید ناصر خسرو است، که در فهرست کتابخانه دولتی نسخه‌های شرقی مدرس به ثبت رسیده است.

عروس عرفان

تنها اثر فارسی به جامانده از بحری عروس عرفان است و چنانکه از نام اثر و سیره مؤلف بر می‌آید در موضوع عرفان و تصوف با گرایش‌های قادری به نگارش در آمده است. بحری در چگونگی تألیف عروس عرفان آورده است که روزگاری در بیجاپور مقیم بوده است و از سوی رخت‌خانه سکندر خان بیجاپوری خلعت‌های گرانبها و اشیاء قیمتی به آیین نذر به او می‌رسد. زمانی که بحری به قصد اقامت در شهر حیدرآباد رهسپار می‌شود، این اشیاء و خلعت‌های گران قیمت را با خود می‌برد، به همراه این اجناس بحری کلیات اشعار خود را که هم به زبان فارسی و هم دکنی و به‌ویژه در معارف سروده بود، به همراه می‌برد. این اشعار به واقع ماحصل یک عمر قلم‌فرسایی و اندیشه‌پیمایی بحری از جوانی تا میانسالی بود و از بد حادثه در راه دزدان بر او شبیخون زده و اجناس و جریده اشعار او را می‌برند. محمود بحری بر فقدان کلیات اشعارش بسیار تأسف می‌خورد و پس

از این اتفاق تصمیم می‌گیرد که دیگر شعری نگوید و با سرخوردگی و دل‌آزردگی بسیار به کنار مزار مرشد خود، محمد باقر قادری، می‌رود و در آنجا روزگار می‌گذراند. در این ایام بر مرقد پیر خود گنبدی بنا می‌کند که ماده‌تاریخ آن را چنین ذکر کرده است: «محمود بحری بندهٔ باقرمحمد بی شکمی» (سال ۱۱۱۲ق).

در همین ایام مجاورت در جنب مزار قادری است که ناگاه مرضی هایل بر بحری عارض می‌شود و او را به تب و لرز شدید دچار می‌کند، چنانکه دست امید از زندگی می‌شوید و مقارن این احوال عارف نامدار عصر سید احمد بن سید اسماعیل بن سید احمد حبیب‌الله که جانشین حضرت شاه چندا صاحب بوده است و نسبت به محمود بحری مشفق و مهربان از وی می‌خواهد که پس از بهبود، در جهان برای فاتحه سببی داشته باشد که به امر او با وجود ناتوانی و بیماری، رسالهٔ من لگن را به زبان دکنی می‌نگارد. اما از آنجایی که زبان معیار، رایج و دلخواه آن روزگار فارسی بوده و حتی در میان عموم نوعی اکراه به زبان هندی در مقایسه با زبان فارسی وجود داشته است، چنانکه تاورنیه نیز در سفرنامهٔ خود بدان اشاره کرده: «فارسی، زبانی است که در دربار هند به کار می‌رود و زبان پادشاه گل‌گنده و پادشاه پیشاور است و در این سه دربار اگر با یک فرد متشخص به زبان هندی حرف بزنند، خواهد رنجید و با اینکه آن را خوب می‌داند به همان زبان پاسخ خواهد داد» (ص ۲۴۱). بحری با این انگیزه و همچنین به درخواست یکی دیگر از نزدیکان که می‌گوید: «...اگر به فارسی بودی چه خوش بودی که دوستان هر دیار را دلیل آمدی و خلائق هر خطه را خلیل»، دست به ترجمه من لگن می‌زند و عروس عرفان ماحصل آن ترجمه است که البته با چربدستی بیشتر و افزودن ابیات فارسی و موضوعات متنوع دیگر نسبت به اصل هندی فراهم آمده است. بحری در مقدمهٔ آن می‌نویسد: «... هر نکته که می‌نویسد و هر سر که می‌سراید از زبان معاینهٔ خود نه از قوای مشاهدهٔ دیگران و نیز از بهر خود نه از برای بلندنظران و بالاپران. خلاف سنت سخن‌گزاران که اشعار و اقوال متقدم را از پی مقابله به مقالات خود در می‌آرند. از آن است که عبیر را به غبار درانداختن و مروارید را به مهره به هم ساختن غایت بی‌دانشی دانست و گرنه نهایت مغتنم بود و متبرک یعنی پاره‌ای از نظم و نثر دیگران برنگرفتم جز از خود» (بحری، ص ۸).

وی سبب انتخاب نام عروس عرفان را برای این اثر چنین آورده است:

این نامه که درجک در هاست درجک چه محیط پرگهرهاست
 دیدم چو در او ثبات معنی نو نهج و نکونکات معنی

هر نکته عروس حجله جان نامش کردم عروس عرفان

(همو، ص ۵)

بحری بخش‌ها و فصل‌های کوتاه و متعدد اثرش را با عنوان «زیور» نام‌گذاری کرده و تصریح می‌کند که عروس عرفان را در دویست زیور نگاشته است.

در این رساله دو صد نکته درج‌دان ای دوست چو یک عروس بر او صد هزار زیورها
به جای نکته‌نوشتم به نهج نو، زیور چه زیوری که بود زیب ده به دلبرها

(همو، ص ۹)

زیورهای موجود در عروس عرفان به این قرار است: نصیحت، سخن، اثر وقت، طلب، شریعت، تنزیه، هستی ذات، گنج مخفی، نور، روح، نظر، بیخودی، شاهد، دل، عقل کل، عرفان، وصال، خلقت آفرینش، تجلی، معرفت، نفس و دل و روح و نور، وجودات، ملکوت، حقیقت انسان، نبوت و ولایت، حال درویشان، عشق مجازی، سرود، پیری و مریدی، اذکار و اشغال، اخلاص، حقیقت، اشغال، عزلت، موت، مرشدکامل، دنیا و زیورهای متفرق. عناوین ذکر شده زیورهای اصلی عروس عرفان هستند و ذیل هر یک از این زیورهای اصلی، نکات و مباحث مرتبط به آن بیان شده است که در پیوند با موضوع زیور اصلی است. با بررسی انجام شده و شمارش تعداد دقیق زیورهای عروس عرفان (شامل عناوین اصلی زیورها، عنوان‌های زیور دیگر، زیور متفرق) مجموعاً ۱۵۹ زیور در این اثر وجود دارد که تعداد زیورهای اصلی: ۳۶، زیورهایی (تحت عنوان زیور دیگر): ۱۱۶، زیورهای متفرق: ۷ است.

محتوای زیورهای متفرق نیز به اختصار ذکر می‌شود: (در رابطه با شناخت خود و شناخت خدا که مجموعه‌ای از نصایح را ذکر می‌کند، توضیح بیت: درویش شدی شیخ شدی دانشمند* این جمله شدی لیک مسلمان نشدی. و در رابطه با بحث مسلمانی، (حقیقت تازه دیوانه) و سخن از دیوان حافظ و شرح شراب که ذکرش در دیوان حافظ است، (حالات کرامت) و رابطه کرامت و ولایت و ولی، شرح بیت: بالای نه سپهر دو گوهر مدوراند* که نورشان دو عالم و آدم منور اند. که نه سپهر را کنایه از وجود آدمی فرض کرده است و دانش و بینش را دو گوهر دانسته است، شرح و توضیح بیت: خدا لک است و محمد هزار و آدم یک* بیا به مذهب عارف اگر تو داری شک، شرح و توضیح دو بیت:

گر بپرسندم ز حال زندگی نهصد و هفتاد قالب دیده‌ام

ور بگویم شرح حال خویش را همچو سبزه بارها روئیده‌ام

و مطرح کردن بحث تناسخ که در نزد هندوان موسوم به جَنَم است. که این اثر در روزگار سلطان اورنگ‌زیب از ممکن غیب به مشهد شهادت نزول می‌کند (سال ۱۱۱۶ق).

مطالب کتاب عروس عرفان را در یک نگاه کلی می‌توان به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرد. محمود بحری به عنوان یک عارف که عمر خود را در تحصیل حقیقت صرف کرده و پس از طی نشیب و فراز طریق سلوک، یافته‌ها و دانسته‌های خود را به قید قلم درآورده، معتقد است که نخست باید به عرفان و مباحث مرتبط آن به دید نظری نگریست و در پی تعاریف جامع و شناخت راه عرفان و محتوای آن بود و سپس قدم در راه سلوک گذاشت و حرکت عملی را آغاز کرد. از اثرش چنین برمی‌آید که نگرش نقادانه نسبت به سخنان و مباحث عرفان نظری دارد و خود به اظهار نظر در این مسایل پرداخته است. با نگاه کلی به مطالب این اثر می‌توان گفت که هفتاد درصد مباحث کتاب عرفان نظری است و مابقی به جنبه عملی و مرتبط با حوزه عرفان می‌پردازد. جدول زیر بررسی محتوایی مطالب کتاب عروس عرفان و زیورهای اختصاص یافته به هر موضوع است:

تعداد زیورها	زیورها	محتوا
۱۵	نبوت و ولایت، تنزیه، موت (مرگ اختیاری - مرگ اضطراری)، شریعت	در بیان اعتقادات
۹۹	سخن، نور، روح، نظر، شاهد، دل، عقل کل، وصال، خلقت آفرینش، (نفس و دل و روح و نور)، وجودات، ملکوت، حقیقت انسان، معرفت، عشق مجازی، پیری و مریدی، دنیا، طلب، سرود، هستی ذات، گنج مخفی، تجلی، حقیقت، اثر وقت، بیخودی	تعاریف (مباحث نظری)
۵	اذکار و اشغال، عزلت، اشغال	در بیان اعمال
۱۰	نصایح، حال درویشان، اخلاص	در بیان اخلاق
۲۳	عرفان	در بیان عرفان
۷	-	متفرقات

ویژگی‌های عروس عرفان

۱. آمیختگی نظم و نثر: شیوه قاضی محمود بحری چنین است که در هر زیور ابتدا مبحث مورد نظر را به صورت نثر آورده و در پایان، بیت یا ابیاتی در آن موضوع افزوده است. حضور پر رنگ شعر و تلفیق نظم و نثر در کتاب مشهود است و مشخصاً در این اثر ۱۱۰۴ بیت از اشعار خود را به یادگار نهاده است. حق آن است که بحری شاعر چندان توانمندی نیست و اساساً نثر او بر شعرش می‌چربد، به ویژه اینکه شاعر در تنگنای موضوعات هر زیور باید بیت را بنا می‌کرده است.

۲. بیان داستان‌ها و حکایت‌های کوتاه متناسب با هر زیور: این ویژگی و بکارگیری ابیات در میانه متن این تصور را که گویا بحری در نگارش کتاب خود شیوه گلستان را در نظر داشته به ذهن متبادر می‌کند. به‌ویژه که در مواردی سجع پرداز و فنی نویسی را هم شاهدیم:

... شاهد حقیقی شاهد این حال است و گواه این مقال. هر نکته که می‌نویسد و هر سز که می‌سراید از زبان معاینه خود نه از قوای مشاهده دیگران و نیز از بهر خود نه از برای بلند نظران و بالا پران. خلاف سنت سخن گزاران که اشعار و اقوال متقدم را از پی مقابله به مقالات خود در می‌آرند. از آن است که عبیر را به غبار در انداختن و مروارید را به مهره به هم ساختن غایت بی دانشی دانست و گرنه نهایت مغتنم بود و متبذک؛ یعنی پاره ای از نظم و نثر دیگران برنگرفتم جز از خود (همو، ص ۸).

... فرحت سبب قربت است زحمت موجب مباحثت. در راحت نزول فیوضات یزدان و در رنج هیبوط فسادات شیطان (همو، ص ۱۸۱).

بحری فردی اهل گفتگو با دیگران بوده است و از آنجایی که با بزرگان زمان خود نشست و برخاست داشته و به شنود و استماع سخنان دیگران توجه داشته است اثر خود را به شنوده‌ها و داستان و حکایات دلنشین و اثرگذار آراسته است. تعداد حکایات و داستان‌های کوتاه ذکر شده ۳۳ می‌باشد که از این تعداد ۱۸ حکایت درباره خود بحری است.

۳. چنانکه گفتیم، عروس عرفان ترجمه اثر دیگر بحری به نام مثنوی من لکن است. چون این اثر به زبان دکنی بوده سبب راه یافتن بعضی ابیات و واژه‌های دکنی به عروس

عرفان شده است. برای نمونه:

جانم فدا هو اسمین یا اس آپ مین لینا

(همو، ص ۷۳)

یعنی ای برهان خود را به خدای درافکن یا خدا را به خود درگیر.

تیر امین پن گیان بهتر اوسکامین پن گیان اپر

(همو، ص ۳۴)

یعنی هستی تو در اندرون عرفان است و هستی او بالای عرفان.

واژه‌های دکنی: الفته: شنبه/چوکهنندی: گنبد / پاتران: رقاصه/ برشکال: وقت

بارش باران.

۴. اشاره به شخصیت‌های برجسته عرفان و تصوف، از آن جمله: حلاج، شبلی، محمد گیسودراز، عین القضاة، ابراهیم ادهم، جنید، رابعه بصری. که نام محمد حسینی گیسودراز و منصور حلاج به نسبت دیگر عارفان بیشتر مطرح است. برای نمونه به نمود شخصیت و افکار حلاج به ویژه در بحث وحدت و کثرت اشاره می‌شود:

«أنا الحق) گفتن حلاج محض قطع شرکت است وگرنه آن بیچاره را نیت انانیت نبود و همچنین می‌گوید: مترنم شدن منصور به آن کلام (أنا الحق) کمال آدمی است. او در جایی از عروس عرفان بیان می‌کند که حضرت هادی اش (محمدباقر قادری) سخن از انا به میان آورده و گفته است: منتهی در آخر حال باید به حال انا باشد. و فرموده است که خواهم به دارالسلطنت یعنی بیجاپور بروم هنگامه منصور از سر تازه کنم و انیت خود را بیازمایم» (همو، ص ۴۴).

بحری ضمن آوردن نام و یا حکایتی از این بزرگان حوزه عرفان از مآثورات عرفانی نیز بهره جسته است و کلام خود را با آنها آراسته است. مانند: العشق ناژ اذا وَقَعَ فی القلبِ یَحْرِقُ ما یسوی المَحْبُوب: عشق آتشی است هرچه ماورای محبوب باشد همه را پاک می‌سوزد (همو، ص ۱۶۹).

۵. محمود بحری در اثر خود به نسبت دیگر کتب عرفانی کمتر از آیات و احادیث بهره برده است. به عبارت دقیق‌تر مجموعاً ۱۵ حدیث از پیامبر و ۸ آیه از قرآن مجید را عیناً نقل کرده و در اثرش از آنها بهره جسته است. این در حالی است که در دیگر کتب عرفانی

ما با حجم بسیار وسیع‌تری از آیات و احادیث مواجهیم برای نمونه: در کتاب معارف ترمذی نگاشته سید برهان‌الدین محقق ترمذی از ۱۳۱ آیه و ۵۴ حدیث استفاده شده است یا در کتاب مرآت الأفراد از پیر جمال‌الدین اردستانی عارف قرن نهم ۲۹۴ آیه و نزدیک به ۲۰۰ حدیث را شاهدهیم.

۶. از دیگر نکات مهم شخصیت‌هایی است که وی در اثر خود از آنها نام برده و یا از کلام آنها مستقیم و یا در قالب حکایت بهره برده است. که می‌توان آنها را ذیل دو دسته تقسیم کرد:

الف) شخصیت‌هایی که با آنها دیدار داشته و در مجلس آنها حضور به هم رسانده و کسب فیض کرده است: سوای حضور بیست ساله‌اش در محضر محمدباقر قادری که مراد او بوده است:

- دیدار و کسب فیض از میان شاه از اولاد حضرت سید محمد گیسودراز در گوگی (ص ۱۹)

- حضور در مجلس حضرت شاه احمد سجاده نشین که مرشد و عموی حضرت شاه چندا صاحب بوده است (ص ۱۱۵-۱۱۶)

ب) بعضی از شخصیت‌های مطرح حوزه عرفان که در قالب حکایت یا از زبان پیر خود از آنها سخن به میان آورده است:

- میان شاه راجو قتال پدر محمد حسینی گیسودراز (ص ۳۱): بحری کتاب تحفة النصایح اثر میان شاه راجو قتال را مطالعه داشته و از آن بیتی نیز در عروس عرفان ذکر کرده است و در رابطه با همان بیت محمدباقر قادری سخن به میان آورده است.

- میان شاه امین‌الدین بن حضرت شاه برهان‌الدین که در جمع مریدانش از اهمیّت بی‌خودی سخن گفته است (ص ۵۲) در جایی دیگر: میان شاه امین‌الدین درباره بیتی که پدرش بیان کرده مورد سوال قرار می‌گیرد که معنای آن چنین است: ای برهان خود را به خدای در افکن یا خدات را به خود درگیر. میان شاه نیز به توضیح این معنی پرداخته است (ص ۷۳-۷۴).

- شهنشاہ عبدالستار قادری مراد محمدباقر قادری که در سه جای عروس عرفان نام او ذکر شده است:

سخن درباره اینکه خداوند به همه چیز علیم و قدیر و سمیع و بصیر است (ص ۶۲-۶۳). در بیان اینکه ذات حضرت حق حد و پایانی ندارد و اینکه مظهر این مظاهر یکی است و از این یکی گفتن پایانی پیدا شده (ص ۱۴۸-۱۴۹). سخن از اسم ذاتی که آن الله است (ص ۱۸۳).
- حضرت شاه برهان الدین فرزند شاه میرانجی شمس العشاق. در پنج جا نام برهان الدین آمده است:

دو بیت به زبان دکنی از او ذکر شده است (ص ۳۴، ۷۳). بحری اشاره کرده که رساله‌های شاه برهان الدین را مطالعه کرده است (ص ۷۷). وی می‌نویسد که برهان الدین پنج وجود را برای انسان قرار داده است که عبارتند از: لازم الوجود ممکن الوجود، ممتنع الوجود، عارف الوجود، واحد الوجود (ص ۱۰۹-۱۱۰) و سخن از تعلیم خلفای برهان الدین به مریدان خود به میان آمده است (ص ۱۱۳).

۷. آوردن ابیاتی از عرفا و مشاهیر معاصر بحری که با بررسی‌های انجام شده می‌توان برخی از آنها را جزو نویافته‌هایی دانست که تنها در این اثر به جا مانده‌اند، شخصیت‌هایی که از آنها در عروس عرفان بیت یا ابیاتی به عنوان شاهد کلام آورده است:
حضرت شاه برهان الدین فرزند ارجمند بندگی حضرت شاه میرانجی شمس العشاق:
ابیاتی به زبان دکنی:

تیرامین پن گیان بهتر اوسکامین پن گیان اپر

(همو، ص ۳۴)

یعنی هستی تو دراندرون عرفان است و هستی او بالای عرفان.

جانم فدا هو اسمین یا اس آپ مین لینا

(همو، ص ۷۳)

یعنی ای برهان خود را به خدای درافکن یا خدا را به خود درگیر.

بیتی از حضرت محمد حسینی گیسودراز:

عجیبی نیست که سرگشته بود طالب دوست عجب این است که من واصل و سرگردانم

(همو، ص ۸۶)

یک رباعی از سلطان اورنگ‌زیب غازی:

سلطنت را عزتی در عالم فانی کجاست ما گدایانیم ما را عیش سلطانی کجاست

این دل دیوانه را گفتم که عاقل شو نشد آری آری طفل را میل سبق خوانی کجاست
(همو، ص ۱۵۵-۱۵۶)

بیتی از میان شاه راجو قتال پدر محمد حسینی گیسودراز:

نی پیش و پس نی راست و چپ نی زیر گویی نی زیر

(همو، ص ۳۱)

افزون بر آن در عروس عرفان ابیاتی از شاعران مشهور ایران زمین به چشم می‌خورد که به سراینده برخی از آنها اشاره دارد و در ذکر سراینده ابیاتی دیگر سکوت کرده است: دو بیت از مولانا جلال‌الدین بلخی (ص ۷۳، ۲۰۱)، دو بیت از ناصر خسرو (ص ۲۰۸-۲۰۹)، دو بیت از کسایی مروزی (ص ۲۰۸-۲۱۰)، بیتی از عبدالرحمان جامی (ص ۱۵۴). با توجه به این ابیات می‌توان به میزان آشنایی وی با ادبیات فارسی پی برد، با آنکه قاضی محمود بحری مطالعات مکتبی نداشته است.

همچنین در قالب دو حکایت از دیوان حافظ سخن رانده است و در ضمن حکایتی دیوان حافظ را به عبارت «معلق» معروف می‌داند (همو، ص ۲۰۲-۲۰۳).

در زیوری دیگر درویشی از محمود بحری درباره ذکر شراب و ملازمان آن که در دیوان حافظ که فی الحقیقه آن را میکده وحدت می‌داند جلوه گر است سوال می‌کند پاسخ بحری چنین است: «... هر بزرگ به استعداد عشق خود به انهاج مختلف قرار داد بال فعل معلوم می‌شود که شراب معرفت و محبت حضرت الهی است - جَلُّ شأنه - و شراب فروش مرشد حقیقت و صراحی سینه بی‌کینه او و هم میخانه خانه‌اش و پیاله دل مخصوص طالب طریقت...» (همو، ص ۲۰۳-۲۰۵).

ویژگی‌های سبکی عروس عرفان

نثر مسجع اگرچه از قرن پنجم و ششم رواج گرفت ولی تا قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم نیز یکی از شیوه‌های غالب نثرنویسی بوده که در ایران، ترکستان، هند و حتی عثمانی رایج بوده است و بسیاری از مراسلات درباری، واقعه‌نگاری، تاریخ‌نویسی و متون عارفانه به این شیوه نگارش می‌شده است. این دوره البته عصر تکلف و تصنع و زمانه فساد نثر فارسی نیز هست و گروهی از دبیران ایرانی از خود اعراب هم در استعمال بسیار کلمات عربی، تفنن‌های لاطایل، اطناب‌های ممل و فضل فروشی پیش می‌افتند. در این

دوره مانند عصر پیشین البته نثر مسجع و مصنوع با نثرهای ساده و مطبوع هر دو در عرض هم وجود دارند و کتب فصیح و بلیغ و زیبایی که سجع و قافیه را رعایت کرده اند وجود داشته است. اما با وجود سخن از تکلف و تصنع نثر این دوره باید اشاره کرد که کتاب عروس عرفان که اثری عرفانی است دارای زبانی ساده، مرسل‌گونه و قابل فهم است. نویسنده در عین این روانی و سادگی نظم را نیز دست‌مایه کار خود قرار داده است و همچنین به ندرت با سجع، عبارات و کلمات عربی، واژگان دکنی و استشهاد به آیه و حدیث سخن خود را آرایش داده است.

از جمله ویژگی‌ها و خصوصیات سبکی عروس عرفان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ویژگی زبانی

۱. کاربرد شماری از کلمات به زبان دکنی: پهر: یک حصه از چهار حصه روز و چهار حصه شب، برشکال: وقت باران، لک: واحد شمارش معادل صد هزار، الفته: شنبه، چوکهندی: گنبد، پاتران: رقاصه، کروه: واحد مسافت برابر سه یا چهار گز.

۲. به کار بردن ابیات معدودی به زبان دکنی که پس از آوردن بیت ترجمه فارسی آنها ارائه شده است و بیشتر نمونه‌هایی ذکر شد.

۳. کاربرد اصطلاحات عامیانه: تاب و تراش، سحر آمود، سرگوشی (در معنای درگوشی)، مومی الیه (در معنای اشاره شد به آن)، ترسکاری (در معنای ترس از خدا و تقوا و پرهیزگاری).

۴. بسآمد فراوان واژگان و ترکیبات عربی: علی حدّه، فجر، اشراق، ضحی، سراً و جهراً، طوعاً و کرهاً، کماهی، ...

درصد تقریبی کاربرد واژگان عربی در ۵۰ صفحه نخست عروس عرفان بالای ۴۵ است.

۵. غالب بودن وجه تلفظ بر نگارش: (همون) به جای (همان)، (یک از یک) به جای (یک به یک)، (تونگر) به جای (توانگر)، (غلطیدگی و ایستادگی) به جای (غلطیدن و ایستادن).

۶. (گرفت) در معنای (کرد): ملاقات گرفت.

۷. کاربرد (بدین/ بدان) به جای (به این/ به آن).

۸. (یکایک) در معنای (ناگهان).

۹. کاربرد مکرر (هرهمه).

ویژگی دستوری و لغوی

۱. حذف فعل به قرینه لفظی.
۲. کاربرد (به) به جای (را) نشانه مفعول: فقیر جهت اکتساب فیض خدمت والاش رفت ذکری بود در میان در بیان احوال اولیا چون به فقیر دیدند فرمودند: ... (ص ۱۹).
۳. کاربرد (به) به جای (از): به وقت رحلت هم به بنده پرسیدند در وجود خود آوازی از دور همچو آواز دهل از همگی اطراف برمی آید این چیست؟ (ص ۱۸۳).
۴. کاربرد (مر) که پیش از مفعول می آمده است: معلوم شد وجود مر حضرت جانان را است (ص ۹۴).
- یکی مر دیگری را پرسید: اگر عرفان نبودی بندگان خدای تعالی خدای را چگونه بشناختندی؟ (ص ۵۸).
۵. (را) در معنای حرف اضافه (به): انسان کمالات انسانی را که خلاصه آفرینش است به وسیله عرفان نقصان نمی تواند رسید مگر به کرم حضرت کریم مطلق (ص ۱۲۴).
۶. معدود جمع: ... و این ضرب در مشرب رندان خراباتی همچو حروف ضرب به سه احکام ثابت شده (ص ۱۴۶).
- ... و الحق هفتاد هزار صفات عالم خلق و امر چه نوری و چه ناری هم از این هفت صفات متولد شد (ص ۶۰).

ویژگی‌های ادبی

۱. استفاده از حکایات کوتاه برای دلنشین شدن کلام و روشن تر شدن موضوع زیور.
۲. آمیختگی نثر و نظم.
۳. قید حالت در معنای صفت فاعلی: به چشم معنی نگران باش: یعنی نگرنده.
۴. کاربرد ضرب المثل در بیت:
مردمان جوینده را یابنده می‌گویند و من دانمش دریافت چیزی آن که جست از جستجو

یا نشر:

... چون از این وجود خاکی بالکل نظر نه بردارد خواب شود و گرنه مرگ و اصلاً خواب برادر مرگ باشد؛ یعنی هم‌رنگ او (ص ۵۵).

۵. استشهداد به حدیث، آیه و ابیات بزرگان ادب فارسی چون مولوی و عبدالرحمان جامی.

۶. وصف ادبی: «چون سرپوش شب از طبق دهر دور شد و صبح مانند نار نورسیده خندان گردید ناگاه نه به طیّ راه بلکه همچو عیسی از آسمان فرودآمد و پیش خواهندگان خود باستاد» (ص ۱۶۰-۱۶۱).

۷. کاربرد عبارات معترضه.

۸. آوردن چند صفت برای یک موصوف: محمود بحری که سگ کوچمه مرشد دین، پناه موحدان دستگاه، مساح وادی وجود، مفتاح مخزن شهود آنکه عرب عشق را همیشه سایر و عجم عرفان را همواره مسافر اعنی حضرت شیخ محمد باقر قادری - نور مضجعه - باشد (ص ۷).

۹. کاربرد عبارات مسجع: خالق نور و نار و رزاق مور و مار (ص ۱۰۰).

... اگر کسی بر سر قدم نهد دم تزند نه از وی بر دل موری زوری و نه بر جان ماری شوری (ص ۱۴۵).

... چنانچه چشم به کار گوش عاجز و گوش به بار چشم قاصر (ص ۶۰).

۱۰. عبارت وصفی مقلوب: (جامع مسجدسگر) به جای (مسجد جامع سگر) // (بد نیّت) به جای (نیّت بد).

۱۱. ذکر ماده تاریخ.

به عنوان مثال بحری تاریخ ساخت گنبدی بر مرقد پیر خود را چنین بیان کرده است: محمود بحری بندهٔ باقر محمد بی شکی (سال ۱۱۱۲ هجری قمری).

نسخه‌شناسی

از عروس عرفان پنج نسخه در کتابخانه‌های ایران، شناسایی شده است که در ذیل می‌آیند:

۱. نسخهٔ متعلق به کتابخانهٔ آستان قدس رضوی، به شماره ۲۵۹۶، تحریر در ۲۵

رمضان سال ۱۱۱۶ق، به خط نستعلیق، محرر نامشخص، کاغذ حنایی فرنگی، در قطع ۱۵×۲۴، جلد گالینگور، هر صفحه ۱۷ سطر، حواشی با نشان (ن). نسخه‌ای کامل و خوانا است. البته نسخه در چند جا پارگی جزئی دارد. نسخه با عبارت (ربّ یسر بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر) آغاز شده است. عنوان اصلی (زیورها) با رنگ شنگرف مشخص شده و صفحات شماره‌گذاری ندارد اما پیوستگی صفحات با رکابه مشخص شده است. فاصله بین ابیات و سطرها با خط کوتاه و به رنگ شنگرف رعایت شده است. اگر از جمله یا بیت، کلمه یا عبارتی افتاده باشد با علامتی تقریباً مانند عدد ۱۲ در هامش آن صفحه کتابت شده است.

در ذکر اشعار، مصرع‌ها با علامتی به شکل (+) و به رنگ شنگرف از هم جدا شده‌اند. در بعضی موارد آیات و احادیث اعراب‌گذاری شده است و یا با رنگ شنگرف مشخص شده‌اند. از دیگر ویژگی‌های بارز این نسخه نگارش (ای) به صورت همزه است. به عنوان مثال (پاره) به جای (پاره‌ای). در این نسخه، حاشیه نویسی با (ن) و یا با علامتی مانند عدد (۱۲) مشخص شده است. نسخه با عبارت (تمت بالخیر فی التاریخ ۲۵ رمضان سنه ۱۱۱۶ هجری) به پایان رسیده است. (اهدایی از طرف مقام معظم رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی در سال ۱۳۹۰).

۲. نسخه متعلق به کتابخانه ملی، به شماره ۱۵۰۷۲-۵، نگارش سال ۱۳۱۰ق، خط نستعلیق، کاتب سیدکریم‌الله، کاغذ هندی، ۱۰۶ برگ، هر صفحه ۱۷ سطر، عناوین با شنگرف و حواشی با نشان (ص) مشخص شده است. در ترقیمه این نسخه ذکر شده که با نسخه ای به خط شیخ پیرمحمد ولد قاضی خدابخش همشیره زاده محمود بحری که توسط محمدابوالقاسم مجدداً کتابت شده مقابله شده است. نسخه کامل است و در ابتدا مقدمه‌ای با خطی دیگرگون از متن در ذکر طریقه خواجگان نقشبندیه دارد که مؤلف این بخش از نسخه مشخص نیست. همچنین قبل از ورود به متن اصلی کتاب، وعظی از سوی پیر دستگیر حضرت مسکین شاه صاحب نقشبندی مجددی نقل شده است که خط این بخش نیز متفاوت از خط متن اصلی است و بی شک این مطالب بعدها در ابتدای نسخه افزوده شده است. این نسخه نیز به مانند نسخه آستان قدس با عبارت (ربّ یسر بسم‌الله الرحمن الرحیم و تمم بالخیر) آغاز شده است. در بخش نظم مصراع‌ها اغلب

در روبه‌روی هم قرار گرفته است و در بعضی موارد بدون فاصله و تنها با گذاشتن علامت سه نقطه و به رنگ شنگرف از به هم پیوستن مصراع‌ها جلوگیری شده است. در انتهای نسخه ابیاتی به صورت پراکنده کتابت شده است که سراینده آنها مشخص نیست. برگ‌های نسخه شماره‌گذاری متأخر دارد. نسخه به جز مقدمه در کل خطی تحریری و قابل خواندن دارد. تقریباً بیشتر آیات و احادیث و مآثورات عرفانی اعراب‌گذاری شده است.

۳. نسخه‌ای دیگر از کتابخانه ملی، به شماره ۵-۱۵۶۰۶، آغاز و انجام افتاده، کاتب و زمان کتابت آن مشخص نیست، ۱۶۵ برگ، ۹ سطر، کاغذ فرنگی الوان، خط شکسته نستعلیق، عناوین با شنگرف و در مواردی لاجورد. از ابتدای نسخه تا عبارت (دین پرور دیانت گستر) حدود ۵ سطر افتادگی دارد. و انتهای نسخه از بیت (بود حرفی و صد معنیش در بند* به هر معنیش دو صد حرف پیوند) تا آخر حدود ۲۵ صفحه افتادگی دارد. جز ابتدا و انتها نیز بعضی برگ‌ها پارگی جزئی نیز دارند. برگ‌های نسخه با اعداد شماره‌گذاری شده است و همچنین برگ‌های فرد دارای رکابه است. برخی از عبارات عرفانی و آیات و احادیث حرکت‌گذاری شده است. ابیات به شیوه امروزی روبه‌روی هم قرار گرفته و فاصله بین آنها رعایت شده است. لغات و جا افتادگی بسیار در متن دیده می‌شود که در هامش با همان خط تکمیل شده است.

۴. نسخه متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران، به شماره ۲۸۳۹۱، کاتب شاه سید پیرحسینی قادری، نگارش سال ۱۲۵۴، ۲۰۸ برگ و هر صفحه ۱۷ سطر دارد. نسخه کامل است و با بیت (یا رب این نوباغ را از باد صرصر دور دار* صبح و شام از بلبلان معنوی معمور دار) آغاز شده است. عناوین اصلی یا همان «زیور» در این نسخه به رنگ خاص مشخص نشده و به ندرت خطی کم رنگ بالای عنوان زیورها کشیده شده است که این امر دشواری یافتن هر زیور و آغاز مطلب جدید را در پی دارد. برگ‌های نسخه با اعداد شماره‌گذاری شده و همچنین دارای رکابه است. توضیحات و افتادگی‌های متن با علامت‌هایی مانند (ص، ن) و علامتی مانند عدد (۱۲) در هامش نوشته شده است. خط نسخه نستعلیق تحریری و ریز است. ابیات پشت سر هم کتابت شده و علامت سه نقطه آنها را از هم جدا ساخته است. ترقیمه نسخه چنین است: «تمت الكتاب العروس عرفان من تصنیف محمود بحری قدس سره».

در بر خود در گرفته این عروس نادری
از طفیل مصطفی و آل و اصحاب کرام
شکر حق را شاه سید پیر حسین القادری
فی سنه خمسین دو صد اربع الف کرد اختتام»

۵. نسخه‌ای متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۱۳۹-۶-۱۰، ۱۵۱ برگ، ۱۷ سطر که به خط تحریری هندی به نگارش آمده است. ابتدای نسخه کامل ولی از آخر به تقریب ۵ صفحه افتادگی دارد و کاتب و زمان کتابت مشخص نیست. عنوان (زیورها) با رنگ شنگرف نوشته شده است. صفحات دارای رکابه است و علاوه بر آن برگ‌ها به صورت زوج شماره‌گذاری شده است. در متن معنای برخی کلمات دشوار زیر آن آمده است. آیات و مأثورات عرفانی اغلب با رنگ شنگرف حرکت‌گذاری شده همچنین کاتب در پاره‌ای موارد کلمات و مفاهیمی را که مهم دانسته، به‌ویژه در بیان مراتب و دسته‌بندی‌ها به رنگ شنگرف کتابت کرده است.

نتیجه‌گیری

محمود بحری قادری نویسنده متبحر، شاعر متوسط و صوفی نامدار هندی در قرن یازده و دوازده هجری است که حکومت عادلشاهیان در بیجاپور (روزگار سکندر عادل‌شاه) و حکومت گورکانیان هند (روزگار اورنگ‌زیب غازی) را در زمان خود درک کرده است. وی صوفی سنی مذهب با گرایش قادری از اهالی منطقه دکن در جنوب هندوستان بود که در دو زبان فارسی و دکنی توانمندی خود را نشان داده است. او بیست سال زیر نظر محمدباقر قادری تعلیم یافت و از بزرگان سلسله قادریه شد.

محمود بحری با نگارش کتاب عروس عرفان توانایی خود را در دو حوزه عرفان و تصوف اسلامی و تا حدودی ادبیات فارسی به نمایش گذاشته است. عروس عرفان اثری آمیخته به نثر و نظم است که با سبکی روان و ساده به ذکر مباحث عرفانی از نظرگاه سلسله قادری پرداخته و مؤلف مطالب خود را در قالب زیورهای گوناگون دسته‌بندی کرده است. آوردن حکایات کوتاه، دلنشین، گیرا و قابل فهم در عرضه مطالب اثر مؤثر افتاده و حکایات و دیده‌های شخصی نگارنده نیز به جذابیت و مقبولیت کتاب کمک کرده است. در مواردی لغات و ابیات به زبان دکنی تأثیرات محیطی را در این اثر نشان می‌دهد.

منابع

- احمدجان، صغیر، تاریخ زبان و ادب اردو، کراچی، ۱۹۸۷م.
افشاریان، مرجان، «بحری»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۸۱.
بحری قادری، محمود، «عروس عرفان»، پایان نامہ کارشناسی ارشد، تصحیح سہیلا لطف اللہی، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۳.
تاورنیہ، ژان باتسیت، سفرنامہ تاورنیہ، ترجمہ حمید ارباب شیرانی، نیلوفر، تهران، ۱۳۸۲.
جمیل جالبی، تاریخ ادب اردو، لاہور، ۱۹۷۵م.
سکسینہ، رام بابو، تاریخ ادب اردو، ترجمہ محمد عسکری، لاہور، ۱۹۶۷م.
نسیم، ا. د. «مشائخ اوردوسری مصنفین»، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند، ج ۶، لاہور، ۱۹۷۱م.
یونس شاہ، تذکرہ نعت گویان اردو، ایبت آباد، ۱۹۸۲م.

